

جنگ و دارو

می‌دهد که از فروردین تا بهمن سال گذشته، به غیر از یک مقطع کوتاهی در آبان، این صنعت در بحران بوده است.

صنعت داروسازی ایران در حالی با جنگ تحمیلی سوم روبه‌رو شد که پیش از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به کشورمان، درگیر چالش‌ها و مسائل حل نشده‌ای بود. وضعیت این صنعت در ماه‌های منتهی به اسفندماه به‌گونه‌ای بود که تولیدکنندگان با زنجیره‌ای از شوک‌های پیاپی ارزی، تورمی و ساختاری مواجه بودند که تاب‌آوری آن‌ها را به حداقل رسانده بود. یکی از اساسی‌ترین تکانه‌های پیش از بحران، سیاست تک‌نرخ‌شدن ارز و حذف تدریجی تخصیص‌های ترجیحی بود. صنعت دارو

جناب آقای دکتر محمد فروغی از یاران قدیم نشریه رازی در نامه‌ای مفصل برای ماهنامه رازی، دیدگاه خودشان در مورد جنگ و دارو را بیان داشته اند که با هم می‌خوانیم.

"... بحران دارو فقط نتیجه جنگ نیست، صنعت داروی ایران مدت‌ها است با بیماری‌های مزمن اقتصاد دست‌وپنجه نرم می‌کند. افزایش شدید هزینه مواد اولیه، نوسانات ارزی، کمبود نقدینگی، بدهی سنگین دولت به شرکت‌های دارویی و قیمت گذاری دستوری، زنجیره تولید دارو را در شرایطی شکننده قرار داده است.

گزارش شامخ صنعت مواد شیمیایی در بهمن سال ۱۴۰۴ که دارو نیز در ذیل آن قرار دارد نشان

که وابستگی شدیدی به واردات مواد اولیه (API)، واسطه‌های شیمیایی و ملزومات بسته‌بندی دارد، ناگهان با جهش نرخ ارز از تالار اول به تالار دوم مواجه شد. این تغییر هزینه‌های تأمین کالا را افزایش داد و به دلیل عدم تأمین ارز در بازه‌های زمانی مورد نیاز، شرکت‌ها را با دوره‌های کوتاه افزایش قیمت مواجه کرد. در این میان، برخی واسطه‌های ارزی تعهدات خود را نسبت به ارزهای خریداری شده به طور کامل ایفا نکردند و این موضوع، به اعتبار شرکت‌های ایرانی نزد تأمین کنندگان خارجی ضربه وارد کرد و در عمل انتقال پول را به بن‌بست کشاند. همزمان با نوسان ارزی، تورم در بخش تولید نیز افزایش یافت. مؤلفه‌های هزینه تولید در صنعت دارو علاوه بر ماده مؤثره، هزینه‌های جانبی از جمله مواد بسته‌بندی، شیشه، مقوا، آلومینیوم و حلال‌های گرید دارویی است که با رشد قیمت همراه بودند. به گفته فعالان این حوزه در بسیاری از موارد، نرخ تورم در برخی مواد بسته‌بندی حتی از تورم مواد اولیه پیشی گرفت. این در حالی بود که قیمت‌گذاری داروها همچنان بر مبنای نرخ‌های قدیمی انجام می‌شد و شکاف بین هزینه تمام‌شده و قیمت دستوری بیشتر شد. وضعیت مالی شرکت‌های دارویی در پیش از جنگ، تصویری از یک ناترازی شدید ارائه می‌دهد. از یک سو دانشگاه‌های علوم پزشکی و مراکز درمانی دولتی با انباشت مطالبات معوق، جریان ورودی نقدینگی به صنعت را با مشکل مواجه کرد. از سوی دیگر شبکه بانکی با اتخاذ سیاست‌های

انقباضی، خطوط اعتباری را مسدود کرد و نرخ بهره‌های واقعی نیز افزایش یافت. در این شرایط تولیدکننده‌ای که مجبور بود هزینه‌های خود را به صورت نقدی یا با پیش‌پرداخت بپردازد، در بازگشت سرمایه از انتهای زنجیره با تأخیرهای یک‌ساله مواجه بود. در حال حاضر، تقریباً حدود ۷۰ همت از بدهی‌های دولت به شرکت‌های پخش و دارویی پرداخت نشده است. علاوه بر این، در ماه‌های پیش از شروع جنگ، ناهماهنگی میان دستگاه‌های متولی از جمله بانک مرکزی، گمرک و وزارت بهداشت دیده شد. به عنوان مثال فعالان این حوزه می‌گویند ترخیص‌های انجام‌شده با حداقل اسناد که قرار بود راهکاری برای تسریع تأمین دارو باشد، به دلیل عدم تأمین ریال یا تفاوت نرخ ارز در زمان تسویه، به یک مسئله حقوقی و مالی برای شرکت‌ها تبدیل شد. عدم صدور مجوزهای قیمت‌گذاری متناسب با تورم و اصرار بر حفظ قیمت‌های دستوری، انگیزه سرمایه‌گذاری را از بین برده و صنعت را در وضعیت تولید با زیان قرار داده بود. بنابراین، صنعت دارو در اسفندماه با انباشت چالش‌هایی مانند شوک‌های ارزی، سردرگمی در قیمت‌گذاری و کاهش نقدینگی قرار داشت و شوک جنگ نیز می‌تواند در صورت ادامه وضعیت قبلی، آن را شکننده‌تر کند.

صنعت دارو برخلاف بسیاری از صنایع مصرفی، مجموعه‌ای از فرآیندهای فوق تخصصی و زمان‌بر است که گسست در یکی از حلقه‌های آن، کل جریان ارزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای درک

اثر جنگ لازم است مروری اجمالی بر حلقه‌های این زنجیره داشته باشیم.

تحقیق و توسعه، تعیین‌کننده اصلی ارزش اقتصادی در این صنعت است. برآوردهای جهانی نشان می‌دهند تولید هر داروی موفق در این مرحله به‌طور میانگین ۲.۵ میلیارد دلار هزینه دارد. بنابراین، آسیب به شرکت‌های فعال در این حوزه در اثر جنگ صرفاً یک خسارت فیزیکی به ساختمان نیست و حتی ممکن است جریان دانش فنی به دیگر شرکت‌ها را متوقف کند. اگر دانش بومی در ابتدای زنجیره از بین برود، کشور ناچار به جایگزینی آن با واردات یا انتقال تکنولوژی‌های گران‌قیمت خارجی می‌شود که در شرایط تحریم و جنگ به سختی قابل انجام است.

توسعه بالینی و نظام رگولاتوری، این مرحله حدود دوسوم کل هزینه‌های تولید دارو را تشکیل می‌دهد و در شرایط عادی ۶ تا ۷ سال زمان می‌برد تا ایمنی و اثربخشی محصول را ثابت کند. در وضعیت جنگی، اصرار بر استانداردهای سخت‌گیرانه زمان صلح مانند الزامات GMP می‌تواند به یک گلوگاه تبدیل شود. فعالان صنعت تأکید دارند در شرایط بحران باید پروتکل‌های تولید جنگی را جایگزین کرد به‌طوری که مثلاً با حذف برخی فرآیندهای غیرضروری در بسته‌بندی یا تسهیل نظارت‌ها، سرعت رسیدن دارو به بیمار افزایش یابد. نادیده گرفتن این ضرورت موجب توقف کالا در انبارها به دلیل نبود برچسب اصالت یا مجوزهای اداری می‌شود.

تأمین نهاده‌ها و مواد اولیه این حلقه، آغاز جریان فیزیکی کالا است. بخش تولید مواد شیمیایی حیاتی‌ترین لایه تأمین زنجیره ارزش دارو می‌باشد، به طوری که ضریب تأثیر مستقیم آن بر اساس ماتریس داده-ستانده ۱۴۰۰ که توسط بانک مرکزی منتشر شده ۰.۲۲۳۰ است یعنی بیش از ۲۲ درصد از نهاده‌های مستقیم تولید دارو از بخش شیمیایی تأمین می‌شود. در خصوص نهاده‌ها، موضوع گرید دارویی نیز یک چالش است به‌طوری که ایران صادرکننده مواد پایه پتروشیمی می‌باشد، اما برای مصارف دارویی مانند حلال‌های دقیق HPLC وابسته به واردات است.

۲-۴ مهندسی تولید و فرمولاسیون، در این مرحله، مواد اولیه با فرآیندهای صنعتی به شکل دارویی تبدیل می‌شوند. پایداری این حلقه به‌شدت به برق و انرژی وابسته است. شوک‌های مستمر قطعی برق در تابستان ۱۴۰۴ و نیاز به تأمین سوخت اضطراری، استهلاک خطوط تولید را به‌شدت افزایش داده است. از سوی دیگر، تخریب زیرساخت‌های جانبی مانند هواسازها منجر به آلودگی محیطی در خطوط تولید فرآورده‌های تزریقی و سرم شده که راه‌اندازی مجدد آنها نیازمند تجهیزات مهندسی دقیق است.

بسته‌بندی و لجستیک، بسته‌بندی در دارو بخشی از سیستم تحویل دارو به بدن بیمار است و صرفاً جنبه تجاری ندارد. کمبود اقلامی مانند فویل آلومینیوم ۲۰ میکرون و پلی‌سیل، باعث می‌شود حتی در صورت موجود بودن ماده اولیه، محصول

نهایی امکان خروج از کارخانه را نداشته باشد. در حوزه لجستیک، انسداد هاب سنتی امارات، باعث گسست در زنجیره سرد شده است. انتقال مسیر به چابهار یا مسیرهای ریلی آسیای میانه اگرچه راهکار جایگزین است، اما به دلیل افزایش زمان حمل، ریسک فساد بیولوژیک داروهای حساس را به شدت بالا می برد.

نظام حاکمیتی، قیمت گذاری و تأمین مالی دارو، تنها کالایی که همه فرآیندهای آن تحت نظارت مستقیم دولت می باشد، شوک تک نرخی شدن ارز و انتقال از تالار اول به تالار دوم، هزینه های تولید را افزایش داده در حالی که قیمت گذاری دستوری با تأخیر انجام می گیرد. این شکاف قیمتی در کنار انباشت مطالبات از بیمارستان ها، زنجیره ارزش را با چالش نقدینگی مواجه کرده است. در واقع ارزش اقتصادی در انتهای زنجیره و با فروش محصول خلق می شود اما به دلیل ناترازی مالی، این جریان نقدینگی به حلقه های ابتدایی برای خرید مواد اولیه باز نمی گردد.

در چنین وضعیتی، هر شوک تازه می تواند بحران را عمیق تر کند. جنگ و آسیب به صنایع پتروشیمی، اختلال در تأمین نهاده های شیمیایی، مشکلات لجستیک و توقف فعالیت برخی شرکت های واسطه، فشار مضاعفی به این صنعت وارد کرده است. صنعتی که از تحقیق و توسعه تا تولید، بسته بندی، حمل و نقل و توزیع، به زنجیره ای پیچیده و به شدت وابسته به سایر بخش های اقتصاد متکی است...."